



دو نکته درباره تاریخ انجامه و نسخه

در نامه بهارستان (سال سوم، شماره اول، دفتر پنجم، بهار و تابستان ۱۳۸۱) که استاد ایرج افشار چند مقاله دارد یک مقاله اش با عنوان «مقام انجامه در نسخه» از ص ۳۹ تا ۱۰۰ به اندازه یک کتابچه همراه با عکس هایی از انجامه نسخه های گوناگون کتاب هاست. دو عکس از انجامه یک کتاب توجهم را جلب کرد:

الف - عکس ۴-۳ از ص ۶۳ که آن را عبری و فارسی نام نهاده اند و زیر عکس نوشته اند: انجامه نسخه و ندیداد مورخ ۹۷۶ یزدگردی/ ۹۸۶ هـ. (مرکزی دانشگاه، ثبت ۱۱۲۶۳).

ب - عکس بزرگ، ص ۸۵ که زیرش نوشته شده: مربوط به شماره ۳۲۱. در شماره ۳۲۱ نوشته اند: و ندیداد، مورخ ۹۷۶ یزدگردی/ ۹۸۶ هجری. (مرکزی دانشگاه، ثبت ۱۱۲۶۳).

یعنی هر دو عکس انجامه یک نسخه است که آن را «وندیداد» نامیده اند. از عکس برمی آید در بالای صفحه ۴، سطر به زبان پهلوی است که آن را (عبری و فارسی) تشخیص داده اند. ۱۳ سطر فارسی به شعر فارسی درباره کتابی است که و ندیداد نام داده اند. شعر فارسی در زیر ۴ سطر پهلوی این گونه آغاز می شود:

تمامت شد این یشت در روز دین
همان ماه خرداد بود از یقین
ز تاریخ یزدگرد هفتاد و شش
بود نهصد دیگر ای مرد هوش!

پس شعری است درباره جوانی جمشید نام که در آغاز جوانی در گذشت و کسان خود را سوگوار نمود و ابیاتی آورده، نزدیکی های پایان شعرها دوباره آمده (برای آن جوان در گذشته).
بگردند این یشت بهرش بنا
بخشود ایزدان و خدا... الخ

چنانکه دیده می شود سخن از یشت بوده و کتاب هم یشت بوده. و ندیداد جزء یشت ها نیست. نسک ۱۹ اوستاست یا شاعر انجامه نویس فرق میان یشت و نسک را نمی دانسته یا کتابچه یشت بوده و و ندیداد نبوده و در هر صورت (عبری - فارسی) به نوشتار دادن نادرست بوده و این کار از کتابخانه مرکزی سرزده است.
نکته دوم: در نامه بهارستان، سال ۹۷۶ یزدگردی برابر ۹۸۶ هجری (کدام هجری؟) نوشته شده در نسخه یاد شده و عکس انجامه تاریخ هجری نیست. گویا تاریخ برابری یزدگردی با هجری از سوی کتابخانه مرکزی یادداشت شده در هر حال تاریخ ۹۷۶ یزدگردی برابر با ۹۸۶ هجری نیست و این حساب اشتباه است.
عبدالرحمان عمادی



نامه بهارستان؛ دقت نظر آقای عبدالرحمان عمادی در نامه خود به استاد ایرج افشار موجب تشکر است. کلمه عبری زیر عکس انجامه ۴-۳ اشتباه «لپی» و بدخوانی در حروف چینی به جای پهلوی است. اما اینکه متن نسخه را به مناسبت آمدن کلمه «یشت» در شعرهای پایانی نسخه، آن را «وندیداد» ندانسته و «یشت» دانسته اند نظرشان را به مقاله خانم دکتر کتایون مزدپور با عنوان «نویافته های کهنسال» که به تفصیل آن نسخه را معرفی کرده و در مجله جهان کتاب (س ۷، ش ۷ و ۸، مرداد ۱۳۸۱، ص ۱۰-۱۵) به چاپ رسانده اند منعطف می کنیم.

کلمه «یشت» در اشعار پایانی، اشاره به کتاب «یشت» نیست و در این مورد به معنی سروده و نیایش به کار رفته است. مصدر «یشتن» را لغت نامه دهخدا آورده و تعجب است که واژه «یشت» را پیش از آن نیاورده است. و به همین طرز هم به فرهنگ بزرگ سخن سرایت کرده است.



در مورد تاریخ ۹۷۶ یزدگری و آن را معادل ۹۸۶ هـ. آوردن هیچ یک از این دو نکته که آقای عمادی در آن اشکال بسته اند مربوط به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نیست. با این توضیح که تاریخ ۹۸۶ هجری شمسی است نه هجری قمری و البته این تقصیر هم متوجه ماست نه دیگران. در اینجا بی مناسبت نیست تا متن انجامه به نقل از مقاله خانم دکتر مزداپور در جهان کتاب (ص ۱۰) آورده شود:

«من، بنده دین، فریدون مرزبان فریدون بهرام رستم بندار شهردان دینار، نوشتم و فراز هشتم [این را] اندر فرخی و پیروزی [در] روز دین بهی مزدیستان و ماه خرداد سال بر نهصد و هفتاد و شش پس از [سال] بیست خدایگان [؟] یزدگرد شاهنشاه [از] نسل خدایگان [؟] شاهنشاه خسرو پسر هرمزد؛ نوشتم و فراز هشتم که... روان جمشید مرزبان ویراف را یاد کنند...»

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
 تاریخ ۱۳۵۰ هـ. قمری
 شماره ثبت ۱۱۳۴۳

تمامت شیلیت روزین همان ماه فراد بود ازین زمان یزدگرد هفتاد و شش سال بهمنصد و هشتاد و شش
 که یزدگرد ازین اول تمام بدان ایستاد و یزدگرد که بودی می رود نیکو بخت روز چو
 گمان جمشید بن مرزبان و راه باب خواند برینکند بنام یزدگرد چون سرو و نارمانا که از آن
 سرو ستورا گرفته قطع دوست بریند ساه عقاد رس است بر بزرگتری رفت زنده است درین بار
 کز روز که کوز برک و ساز هم از بعد امادی آن سرزاز زایام عمرش شد و پس از بیست و نه سال زنده بود
 ز ناکاه این پرخ ناپای دار کردید بر کام او استوار بر جمشید به پای خمید اجل نامی بنام ازین بود
 بست روز جمشید چهار بود دلی و دستان پر زیتار بود بعد نامیدی رفت ازین بر داشت اندر دین بود
 همان مادرتش به کوه بخت بر روز زرد و پیش زاری گرفت همان که جمشید زید بدنه زرش هم پسر دین شد
 به هر کوزه و بگریستند بنام او و بکار کن نیستند همان خواهر و توام و خویش نای تو کرد و بر جان او
 به اندر هر دو کمان کخت بود که جمشید اندر چوینت بود بر روز جوانی شاد امید این که یکی چوینت به سیر
 بهی همی اشک می ریخت ز دین و کی جانش کیستی برست شده زنده شود هر چه طلب کرده بر دلش افتا
 پیش یکایا هوا زهرک بود شده یکایا بگریختی پیش برش بنام چوینت و می ازین و غیر
 جمشید بهره رسانده ازین ازین و فری و پسر دین چوینت
 او را از دست که هر چه می خواندش از دست
 او را از دست که هر چه می خواندش از دست

انجامه «وندیداد» مورخ ۹۷۶ یزدگردی / ۹۸۶ هجری شمسی، روی بروک ۱۶۰ (کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ثبت ۱۱۳۴۳).